

صفحه اول سایت های دیگر	اخبار امروز فرهنگ و ادب	سیاسی اقتصاد	حقوق بشر تاریخ	زنان ملی/قومی	اجتماعی بین الملل	دانشجویی خانه احزاب	کارگری رویدادها	اندیشه گوناگون	ویژه نامه	تماس با عصر نو آگهی در سایت عصر نو
---------------------------	----------------------------	-----------------	-------------------	------------------	----------------------	------------------------	--------------------	-------------------	-----------	---------------------------------------

## کانون نویسندگان ایران گلشیری؛ در معنای همچنان بودن

به مناسبت دهمین سالگرد درگذشت او

جمعه ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ - ۰۴ ژوئن ۲۰۱۰



"... و من همیشه می‌خوردم به دری که بسته بود، یا می‌رسیدم به جمعیتی که راه نمی‌دادند، حتی به عمد دست دراز می‌کردند تا نگذارند جلوتر بروم. می‌دانستم که نمی‌رسم، اما رفتم، تمام شب، تمام روز..."  
هوشنگ گلشیری - داستان نیروانای من

هوشنگ گلشیری (۱۳۷۹-۱۳۱۶)، داستان‌نویس صاحب‌سبک ایران، هنگامی که یک دهه‌ی پیش چشم از جهان فروبست نزدیک به چهار دهه در عرصه‌ی ادبیات داستانی جان به قلم سوده بود؛ تلاشی سخت که او خود آن را با اصطلاح موردعلاقه‌اش "عرق‌ریزان روح" بیان می‌کرد. او اگرچه در اثر فشارهای گوناگون اجتماعی چندان دیر نزیست، در همان حیات نسبتاً کوتاه تأثیری دیرپا بر داستان‌نویسی ایران بر جای گذارد.

اکنون يك دهه از مرگ هوشنگ گلشیری می‌گذرد. سزاست که به پاس زحمات او، در بزرگداشت زندگی و آثارش، مراسمی باشکوه درخور کسانی که خلاقیت خویش را در خدمت جامعه می‌گذارند برگزار کنیم. اما دریغ که در این سرزمین حتی از مرده‌ی نویسندگان آزادی‌خواه نیز می‌ترسند.

گلشیری نویسنده‌ی مدرنیست بود، از آن دست داستان‌نویسانی که پیشینه‌شان به صادق هدایت می‌رسد. او فعالیت ادبی خود را با سرودن شعر آغاز کرد، اما بسی زود دریافت که «آن» داستان‌نویسی‌اش قوی‌تر و پُرمایه‌تر است. پس تمام هم و غم خود را متوجه داستان و داستان‌نویسی کرد تا بدان‌جا که، در عصر تعهد نویسنده، نوشت که نویسنده نسبت به متن متعهد است و خاصه داستان‌نویس باید به داستان و ملزومات داستانی متعهد باشد. این نگره در او چندان قدرت‌مند بود که حتی در برخی از داستان‌هایش به صراحت از آن سخن گفته است. گذشته از داستان‌ها، او در نقدنویسی و سخن‌رانی‌های خود نیز از همین منظر به صحنه‌ی ادبیات داستانی می‌نگریست. داستان و داستان‌نویسی «نیروانا»ی او بود و عمر خود را وقف این نیروانا کرد؛ از نوشتن داستان تا برگزاری کارگاه‌های داستان‌نویسی برای جوانان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی و سردبیری مجلات گوناگون، همه را در راستای تعهدی به کار می‌زد که به آن باور داشت. در رمان‌ها و داستان‌های کوتاه گلشیری از «شازده احتجاب» و «آینه‌های دردار» تا «جن‌نامه»، و از «معصوم»‌ها تا «دست تاریک، دست روشن» ردّ و نشان تعهد او را شاهدیم.

اما این تعهد به داستان و ملزومات داستانی او را، هم‌چون برخی دیگر، از نقش خود در مقام انسان و روشنفکری آزادی‌خواه دور نکرد. گلشیری به‌خوبی از تأثیر آزادی بیان و اندیشه در رشد و شکوفایی ادبیات آگاه بود و هر جا مجال می‌یافت بر سانسور و حذف فرهنگی می‌تاخت که به نظر او شکلی از محدودسازی حق بیان بود. حضور او طی ۲۲ سال فعالیت کانون نویسندگان ایران و تحمل زندان در رژیم گذشته مؤید تعهد گلشیری به آزادی اندیشه و بیان است. او در سه دوره‌ی فعالیت کانون نویسندگان ایران هر بار جدی‌تر و مؤثرتر دست به کار شد، و در دوره‌ی سوم از بانیان اصلی فعالیت کانون و یکی

از دبیران آن بود؛ به‌ویژه، نقش مهم او در برگزاری جلسات جمع مشورتی و تهیه و تنظیم متن «۱۳۴ نویسنده» و منشور کانون انکارناپذیر است. او تا از آسیب در امان بماند قلم به کتف امن نبرد بلکه در راه احیای کانون رنج بسیار کشید تا به آن‌جا که نزدیک بود جان خود را نیز در جریان قتل‌های سیاسی موسوم به زنجیره‌ئی بر سر آن بگذارد. با این همه، میدان را برای قداره‌بندان آزادی‌گوش خالی نکرد و در راه تعهد خویش تا آخرین لحظه ثابت‌قدم ماند.

اکنون یک دهه از مرگ هوشنگ گلشیری می‌گذرد. سزاست که به پاس زحمات او، در بزرگداشت زندگی و آثارش، مراسمی باشکوه درخور کسانی که خلاقیت خویش را در خدمت جامعه می‌گذارند برگزار کنیم. اما دریغاً که در این سرزمین حتی از مرده‌ی نویسندگان آزادی‌خواه نیز می‌ترسند.

یادش گرامی باد!  
کانون نویسندگان ایران  
۱۴ خرداد ۸۹

[نسخه مناسب چاپ](#) [بازگشت به صفحه اول](#)



#### نظر شما؟

نام:

پست الکترونیک (اختیاری):

عنوان:

نظر:

کد را اینجا وارد کنید:



ارسال

نظر شما پس از بازبینی توسط مدیر سایت منتشر خواهد شد